

# کودکان نیاز به فلسفه دارند

O شیمای ملاحی

گفت‌وگو با دکتر مرتضی خسرو نژاد



اشاره:

دکتر مرتضی خسرو نژاد، عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز، در نیمه دوم تیرماه سال ۱۳۸۳، بنا به دعوت انجمن استرالیایی پژوهش در ادبیات کودک (ACLAR) و برای شرکت در کنفرانس دوسالانه این انجمن، به سیدنی رفت. وی در این کنفرانس، درباره یکی از یافته‌های تازه پژوهشی خود سخن گفت. آن چه در پی می‌آید، گفت‌وگوی کوتاهی است که با این پژوهشگر، پس از بازگشت از سیدنی، صورت گرفته است.

لطفاً بگویید چگونه به این کنفرانس دعوت شدید و انجمن استرالیایی پژوهش در ادبیات کودک، چگونه انجمنی است؟

در تابستان سال قبل (سال ۸۲)، من از سوی انجمن بین‌المللی پژوهش در ادبیات کودک (IRSC) دعوت شدم تا در نشست دوسالانه این انجمن که در نروژ برگزار می‌شده شرکت کنم و بخشی از پژوهشی را که در کتاب «معصومیت و تجربه» منتشر شده بود، ارائه دهم.

آنها از انتشار کتاب «معصومیت و تجربه» اطلاع داشتند؟

خیر. من خودم خلاصه‌ای از بخشی از این کتاب را برای‌شان فرستادم. دعوت‌نامه هم از سوی انجمن برای من رسید که متأسفانه، به علت آماده نشدن به موقع ویزا، موفق به شرکت در کنفرانس نشدم. کنفرانس دوسالانه IRSC، کنفرانسی وسیع و با شرکت‌کنندگان بسیار، از کشورهای مختلف جهان است و فرصت مغتنمی است برای تبادل تجربیات و بحث‌های به روز، در مباحث مختلف مربوط به ادبیات کودک. به هر حال، من موفق نشدم به آن کنفرانس بروم تا این که چند ماه بعد، نامه‌ای دریافت کردم از «جان استیونس» که ضمن ابراز تأسّف از من خواسته بود که چنانچه تحقیق تازه‌ای دارم، در کنفرانس دوسالانه ACLAR که در سال ۸۳، در سیدنی برگزار می‌شود، شرکت کنم. در واقع تا آن لحظه من با ACLAR اصلاً آشنا نبودم و آشنایی من با این نهاد، بیشتر در هنگام حضور در کنفرانس شکل گرفت. کنفرانس‌های ACLAR اگر برداشتم درست باشد، از سطح تئوریک بالاتری نسبت به کنفرانس‌های IRSC برخوردار است و مقالات هم کیفیت بالاتری دارند.

مقاله شما در چه زمینه‌ای بود؟

اتفاقاً همان زمان که نامه استیونس را دریافت کردم، مشغول کار روی نظریه خود او بودم. می‌دانید که «استیونس» در ادامه کار «هالیندیل»، شیوه‌های عملکرد و تجلی ایدئولوژی در ادبیات کودک را محور بحث‌های خود قرار داده است و آثار تأمل‌برانگیزی نیز در این زمینه منتشر کرده. یکی از بحث‌های محوری او، روی

انواع درونمایه در ادبیات داستانی کودک است. او مشخصاً دو نوع درونمایه «آشکار» و «نهان» را در داستان‌های کودکان مورد بحث قرار می‌دهد و می‌کوشد راهکارهای نویسنده، برای نهادن کردن ایدئولوژی را بر ملا کند. بحثی که من مطرح کرده‌ام، پیشنهادی است مبتنی بر افزودن نوع تازه‌ای از درونمایه که می‌توانیم آن را درونمایه تهی یا پوچ یا حذف شده بنامیم. تهی را من برابر «Null» به کار می‌برم و آن را در کنار دو نوع دیگر درونمایه می‌گذارم. به این ترتیب، می‌شود گفت چیزهایی هست که نویسنده آن‌ها را صریحاً می‌گوید و چیزهایی هست که آن‌ها را به صورت پوشیده و پنهانی می‌گوید و چیزهایی نیز هست که اصلاً نمی‌گوید و جای آن‌ها در نوشته «خالی» است. بر این اساس، سخنرانی من در آن کنفرانس، شامل دو قسمت بود: یکی بحث نظری در لزوم و ضرورت به کارگیری درونمایه تهی و مبانی مؤید آن و دیگری به کار بردن این مفهوم تازه، در نقد و تحلیل ادبیات داستانی کودک که چون در آن زمان، زمانی که مقاله را تدوین می‌کردم، دوری نخستین دوره جایزه مهرگان کتاب نوجوان را نیز عهده‌دار بودم، در قسمت پایانی مقاله‌ام، مفهوم «تهی» را در تحلیل و نقد پنج اثر رسیده به مرحله نهایی این جایزه به کار بردم.

برخوردها با این پیشنهاد شما چگونه بود و اصولاً جلسات کنفرانس چگونه

برگزار می‌شد؟

جلسات در دو سالن و به شکل موازی برگزار می‌شد و در هر جلسه، دو سخنران حرف‌شان را می‌زدند. هر کدام ۲۰ دقیقه و هر کدام ۱۰ تا ۱۵ دقیقه هم وقت برای بحث و پاسخگویی به سؤالات داشتند. برخوردها یا بهتر بگوییم، عکس‌العمل‌ها نسبت به این بحث درونمایه تهی، برای من بسیار آموزنده و جذاب بود. «استیونس»، وقتی خلاصه مقاله‌ام را پیش از سفر برایش فرستادم، برای من نوشت (البته چیزی نزدیک به این مضمون): هیچ چیز برای یک محقق ارزشمندتر از این نیست که کسی پیدا شود و نظریه او را به جایی فراتر از آنی که هست، ببرد. و سؤالاتی که در خود کنفرانس مطرح شد، بعد از سخنرانی، شامل چه نکاتی بود؟

دو سؤال به نظر من اهمیت بیشتری داشتند و بقیه در سطح معمول بودند. یکی سؤالی بود که «نادلمن» مطرح کرد مبنی بر این که علت به وجود آمدن این درونمایه تپه چیست؟ و دیگر، سؤالی که از سوی یکی از منتقدان استرالیایی - که البته چندان صاحب نام هم نیست - مطرح شد، با این مضمون که آیا شما فکر می‌کنید کودکان، خود، ایدئولوژی ندارند و آن‌ها را در مقابل نویسنده منفعل فرض می‌کنید و چرا اصلاً در تحقیق خودتان آن‌ها را منظور نکرده‌اید که برای من البته، سؤال دوم تأمل‌برانگیزتر بود.

#### و جواب شما؟

خب به وجود آمدن یا اظهار وجود این درونمایه تپه، می‌تواند با رویکردهایی که انتخاب می‌کنیم، علل گوناگونی را پیش روی ما بگذارد. مثلاً اگر از دیدگاه روان‌کاوی نگاه کنیم، مقوله حذف، خودش بحث مستقلی می‌شود و برخاسته از انگیزه‌های ناهشیار آدمیان - و در این‌جا نویسنده - است. به

این بحث «لاکان» تا حدی پرداخته است. از دید روان‌شناسی نویسنده - روان‌شناسی در مفهوم عام البته - اگر نگاه کنیم، فاصله سنی او از مخاطب، معضل بزرگی است. او بیشتر بر کودکی خود متکی است و در نتیجه ممکن است بسیاری از مسائل کودک امروز را از قلم بیندازد. به این مسئله، یکی از منتقدان خودمان در یکی از مقالاتش - فکر می‌کنم خانم معصومه انصاریان باشند - پرداخته است. از دید اجتماعی هم اگر بنگریم، ساده‌ترین علتش سانسور است که خانم زری نعیمی بر آن تأکید بسیار دارند. اما درباره سؤال دوم، باید فکری اساسی برایش کرد. همان‌جا هم گفتیم که این تحقیق من، ماهیتاً متن محور است و چشم فقط، به متن دوخته است و البته من ناگزیر نیز بوده‌ام؛ چرا که قصد من طرح و یا افزودن مفهومی تازه به بحث‌های مربوط به ایدئولوژی در ادبیات کودک بوده است و خب باید اول به فکر چفت و بست منطقی بحثم باشم تا بتوانم کارایی آن را در نقد متن نیز نشان دهم. در واقع سؤال تحقیق من، یکی این بوده است که آیا در ادبیات داستانی کودک، می‌توانیم در کنار دوگونه درونمایه آشکار و نهان، گونه سومی به نام درونمایه تپه نیز داشته باشیم و دیگر این که اگر می‌توانیم، آیا این نوع تازه، در تحلیل و نقد ادبیات کودک، کارآ هم هست؟ پژوهش متن محور، کاری به واکنش خواننده - مستقیماً - ندارد. با وجود این، آن‌چه ایشان گفتند کاملاً به جاست و باید پژوهش‌های دیگری طراحی شود که کودک را هم وارد عرصه کنند و ایدئولوژی را در تعامل و یا گفت‌وگوی میان نویسنده و خواننده بررسی کنند که البته طراحی‌اش بسیار مشکل و بگرنج است. نمونه‌ای از پژوهش‌های خواننده محور را «پایل بی» و خانواده «کراگو» انجام داده‌اند. امیدوارم روزی در ایران هم بتوانیم چنین پژوهش‌هایی انجام دهیم.

#### در آنجا با چه افرادی ملاقات داشتید و حاصل این ملاقات‌ها چه بود؟

می‌دانید که در این جور کنفرانس‌ها در هر فرصتی آدم‌ها کنار هم قرار می‌گیرند و از هر دری سخنی می‌گویند و سخن‌ها هم بیشتر درباره همان بحث‌ها و سخنرانی‌های ارائه شده است. اما من قرار مشخصی که داشتم و از ایران هم آن قرار را گذاشته بودم، قرار ملاقات با «فیلیپ کم» بود که ارتباطی به این کنفرانس نداشت. «فیلیپ کم» در دپارتمان فلسفه دانشگاه نیوساوت ویلز سیدنی، روی آموزش فلسفه به کودکان کار می‌کند و در سطح بین‌المللی، شخصیت مطرحی است. او آثار قابل توجهی در این زمینه دارد و پس از «لیپمن» و «اسپراد»، بسیار خوب در این زمینه کار کرده است. مجموعه داستان‌های فلسفی که او ویراستاری کرده، مجموعه‌ای بسیار سودمند در کار فلسفه با کودکان است و البته جلد اول این مجموعه، به فارسی هم ترجمه و منتشر شده است. او هم‌اکنون فعالیت علمی پیگیری را در استرالیا در این زمینه دارد انجام می‌دهد و البته با کشورهای دیگر هم همکاری دارد. در ملاقات با او، بیشتر درباره کاری که من در این زمینه قصد دارم انجام دهم و طرح آن، صحبت کردیم و البته یک محور بحث هم نظریات موجود در این زمینه بود.



#### وضعیت نهضت آموزش فلسفه به کودکان در جهان

چگونه است و چه نظریه‌هایی در این زمینه وجود دارد؟ این مسئله‌ای است که می‌خواهم بگویم تقریباً همه کشورهای جهان، غیر از ایران، به آن توجه نشان داده‌اند و شما اگر در اینترنت جست‌وجو کنید و به فهرست کشورهای عضو این نهضت نگاهی بیندازید، می‌بینید که از هر جایی، کسی یا مؤسسه‌ای در این مرکز بین‌المللی، مؤسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان که مرکز آن در دانشگاه مونت کلیر است، عضو است؛ همان‌طور که گفتیم غیر از ایران. دو نظریه‌پرداز که از اساتید فلسفه در آمریکا هستند این نهضت را راه می‌برند: یکی «متیولپمن» و دیگری «گرت متیوس». بنیادهای فکری آن‌ها اگر چه شباهت‌های بسیار دارد، تفاوت‌هایی هم در فکر آن‌ها هست. «لیپمن» به برنامه درسی مستقلی در کنار برنامه‌های دیگر - برای آموزش فلسفه به کودکان - اعتقاد دارد و «متیوس» معتقد است که

این برنامه باید در تمام برنامه‌های درسی مدرسه پخش شود و مستقل نباشد.

#### کاری که شما می‌خواهید انجام بدهید، در چه زمینه‌ای است؟

البته من پروژه‌ای در این زمینه انجام داده‌ام که احتمالاً تا زمانی که این مصاحبه چاپ شود، منتشر شده است و یا یکی دو ماه بعدش منتشر خواهد شد. این پژوهش شامل ۱۰ کتاب داستانی - تصویری است که برای تقویت ساختارهای تفکر فلسفی کودکان، طراحی و تدوین شده است و در انتشارات «به نشر»، آخرین مراحل انتشار را پشت سر می‌گذارد. این اولین گام عملی در این زمینه در ایران به شمار می‌رود.

#### مبنای نظری کار شما چه بوده است؟ رویکرد «لیپمن» و یا «متیوس»؟

«لیپمن» و البته بیشتر «متیوس» تا حدی از منتقدان جدی «پیاز» هستند و تصویری که از کودک ارائه می‌دهند، با تصویر «پیازه گرایان» و «نوییازه گرایان» متفاوت است. من در این پروژه، به تعریفی از کودکی پایبندم که در کتاب «معصومیت و تجربه» مطرح کرده‌ام. در آن کتاب، بر ساختارها و مکانیزم‌های اساسی پیشنهادی «پیاز» در رشد شناخت کودکان تأکید شده و هم با برداشتی خاص، این ساختارها و مکانیزم‌ها در تأویل افسانه‌های ایرانی، به کار گرفته شده است. مجموعه‌ای که «به نشر» منتشر می‌کند، می‌خواهد هم‌چنان به مکانیزم‌های اصلی نظریه شناخت‌شناسی تکوینی پایبند باشد؛ البته در همان حال که شما صریحاً انتقادهایی را هم نسبت به نظریه «پیاز» در این مجموعه می‌بینید. از این گذشته، کار فلسفه با کودکان، کاملاً جنبه فرهنگی دارد و باید مصالح و ابزار کار در هر کشور، مبتنی بر فرهنگ خودش تولید شود. ترجمه مشکل ما را حل نمی‌کند. البته من به تفصیل، به این مقوله در جلد دوم کتاب معصومیت و تجربه می‌پردازم. تأکید من بر تعمیق توانایی تفکر فلسفی کودکان و یا تقویت ساختارهای تفکر فلسفی آنان است و نه آموزش فلسفه به ایشان. ایده من حاصل ترکیبی از عناصری از اندیشه «پیاز» در شناخت‌شناسی تکوینی، «فیلیپ اسمیت» در فلسفه تعلیم و تربیت و نظریه بینامتنی در ادبیات است.

#### فکر می‌کنید جلد دوم معصومیت و تجربه کی منتشر می‌شود؟

این سفر فرصت مغتنمی بود که من یادداشت‌های لازم برای این کار را فراهم کنم. می‌دانید که منابع نظری برای این‌گونه پژوهش‌ها، در ایران بسیار ناچیز است. معمولاً هیچ نهادی یا مؤسسه‌ای هم از چنین پروژه‌هایی حمایت مالی نمی‌کند. بنابراین، صحبت در مورد تاریخ به ثمر رسیدن و انتشار این طرح، کار دشواری است.

#### در پایان اگر صحبت خاصی دارید، بفرمایید؟

از شما و از کتاب ماه کودک و نوجوان سپاسگزارم که این زحمت را کشیدید و با من تماس گرفتید. هم‌چنین، لازم است از منتقدان و صاحب‌نظران ارجمندی که به عنوان داور، در تحلیل درونمایه‌های رمان‌های نوجوان و برای تهیه مقاله ارائه شده در ACLAR، با من همکاری کردند تشکر کنم. من مدیون همکاری صمیمانه و توأم با شکیبایی خانم دکتر سلاجقه، خانم قزل ایاغ و آقای اقبال زاده هستم.